



شما در حال مطالعه نسخه آفلاین یکی از مقالات «زبان مستر» هستید. لطفاً توجه داشته باشید که در این نسخه، برخی امکانات تعاملی مانند پخش صوت، ویدیو و تمرین‌های هوش مصنوعی در دسترس نیستند. برای مشاهده نسخه کامل و آنلاین مقاله، همراه با امکانات آموزشی و تجربه کاربری بهتر، [اینجا کلیک کنید](#).

کلمات و اصطلاحات بسکتبال به انگلیسی + مثال و ترجمه

ارسال شده توسط مصطفی ساهری | مقالات زبان انگلیسی | ۱۶۲ بازدید | ۱۴۰۵/۰۴/۰۷ |

The graphic features a light blue background with a basketball court scene. In the center, a female player in an orange jersey is dribbling a basketball while a male player in a red jersey defends her. To the left is a digital scoreboard showing 'HOME' and 'GUEST' both at '00:00'. Above the players, the text 'کلمات و اصطلاحات بسکتبال به انگلیسی' is written in large black font, followed by 'Basketball Terms in English' in a smaller font. Below that, 'مثال + ترجمه' is written with a purple plus sign. On the right, a basketball hoop and backboard are visible. The ZabanMaster logo is in the bottom right corner, and the website 'zabanmaster.com' is in the bottom left corner.

اگر اهل تماشای مسابقات NBA، بازی کردن بسکتبال یا دنبال کردن گزارش‌های ورزشی باشید، دانستن کلمات و اصطلاحات بسکتبال به انگلیسی حسابی به کارتان می‌آید. در این مقاله، مهم‌ترین واژه‌ها، حرکات، پست‌ها، خطاها و اصطلاحات رایج بسکتبال را با معنی فارسی و مثال یاد می‌گیرید. این مطلب می‌تواند بخشی کاربردی از مسیر [آموزش زبان انگلیسی](#) شما باشد، مخصوصاً اگر به ورزش و مکالمه‌های واقعی علاقه دارید.

موضوعات این مقاله

- ۱ بسکتبال به انگلیسی چه می‌شود؟
- ۲ بسکتبالیست به انگلیسی چه می‌شود؟
- ۳ کلمات پایه بسکتبال به انگلیسی
- ۴ بخش‌های زمین بسکتبال به انگلیسی
- ۵ پست‌های بازیکنان بسکتبال به انگلیسی
- ۶ اسم حرکات بسکتبال به انگلیسی
- ۷ انواع پاس در بسکتبال به انگلیسی
- ۸ انواع شوت در بسکتبال به انگلیسی
- ۹ اصطلاحات امتیازگیری در بسکتبال
- ۱۰ اصطلاحات حمله در بسکتبال به انگلیسی
- ۱۱ اصطلاحات دفاع در بسکتبال به انگلیسی
- ۱۲ خطاها و تخلفات بسکتبال به انگلیسی
- ۱۳ اصطلاحات داوری و قوانین بسکتبال به انگلیسی
- ۱۴ اصطلاحات آماری بسکتبال به انگلیسی
- ۱۵ اصطلاحات رایج NBA و گزارشگری بسکتبال
- ۱۶ فعل‌های پرکاربرد برای صحبت درباره بسکتبال
- ۱۷ جمله‌های کاربردی انگلیسی درباره بسکتبال
- ۱۸ جمع بندی
- ۱۹ سوالات متداول

بسکتبال به انگلیسی چه می‌شود؟

basketball

بسکتبال

I play **basketball** with my friends every Friday.

من هر جمعه با دوستانم بسکتبال بازی می‌کنم.

واژه‌ی **basketball** هم به خود ورزش بسکتبال اشاره دارد، هم می‌تواند به معنی توپ بسکتبال باشد. البته وقتی درباره خود توپ حرف می‌زنیم، معمولاً از عبارت **basketball ball** استفاده نمی‌کنیم و همان **basketball** کافی است.

He bought a new **basketball** yesterday.

او دیروز یک توپ بسکتبال جدید خرید.

بیشتر بخوانید: ورزش‌ها به انگلیسی

بسکتبالیست به انگلیسی چه می‌شود؟

basketball player

بسکتبالیست

My brother wants to become a professional **basketball player**.

برادرم می‌خواهد یک بسکتبالیست حرفه‌ای شود.

رایج‌ترین و طبیعی‌ترین معادل «بسکتبالیست» در انگلیسی **basketball player** است. گاهی ممکن است کلمه‌ی **basketballer** را هم ببینید، اما در انگلیسی روزمره و مخصوصاً انگلیسی آمریکایی، **basketball player** بسیار رایج‌تر و طبیعی‌تر است.

basketballer

بسکتبالیست

He is one of the best **basketballers** in his school.

او یکی از بهترین بسکتبالیست‌های مدرسه‌اش است.

professional player

حرفه‌ای

She is a **professional player** in the women's league.

او یک بازیکن حرفه‌ای در لیگ زنان است.

amateur player

آماتور

I'm just an **amateur player**, but I love the game.

من فقط یک بازیکن آماتورم، اما عاشق این بازی هستم.

بیشتر بخوانید: کلمات و اصطلاحات گیمینگ به انگلیسی

کلمات پایه بسکتبال به انگلیسی

در این بخش مهم‌ترین کلماتی که برای صحبت راجع به بسکتبال به انگلیسی نیاز است را یاد خواهید گرفت:

ball

توپ

Pass me the **ball**.

توپ را به من پاس بده.

court

زمین

The players are warming up on the **court**.

بازیکنان در زمین در حال گرم کردن هستند.

hoop

حلقه

He threw the ball toward the **hoop**.

او توپ را به سمت حلقه پرتاب کرد.

rim

لبه

The ball hit the **rim** and bounced out.

توپ به لبه حلقه خورد و بیرون پرید.

backboard

تخته بسکتبال

The ball hit the **backboard** before going in.

توپ قبل از وارد شدن به سبد به تخته خورد.

net

تور

The ball went straight through the **net**.

توپ مستقیم از داخل تور رد شد.

basket

سبد

He scored an easy **basket**.

او یک سبد آسان به ثمر رساند.

jersey

پیراهن

I bought my favorite player's **jersey**.

من پیراهن بازیکن مورد علاقه‌ام را خریدم.

sneakers

کتانی

You need good **sneakers** to play basketball.

برای بازی بسکتبال به کتانی خوب نیاز داری.

team

تیم

Our **team** played really well tonight.

تیم ما امشب واقعا خوب بازی کرد.

opponent

حریف

Our **opponent** has a very strong defense.

حریف ما دفاع بسیار قوی ای دارد.

coach

مربی

The **coach** called a timeout.

مربی درخواست وقت استراحت کرد.

referee

داور

The **referee** called a foul.

داور خطا اعلام کرد.

scoreboard

اسکوربورد

Look at the **scoreboard**. We're winning by five.

به اسکوربورد نگاه کن. ما با پنج امتیاز جلو هستیم.

game

بازی

Tonight's **game** was very exciting.

بازی امشب خیلی هیجان انگیز بود.

score

امتیاز / گرفتن امتیاز

What's the **score**?

امتیاز چند است؟

point

امتیاز

He scored ۳۰ **points** in one game.

او در یک بازی ۳۰ امتیاز گرفت.

بیشتر بخوانید: کلمات فوتبال به انگلیسی

بخش‌های زمین بسکتبال به انگلیسی

paint

محوطه زیر حلقه (داخل مستطیل منطقه رنگی)

The center is very strong in the **paint**.

سنتر در محوطه زیر حلقه خیلی قوی است.

lane

منطقه زیر سبد

He drove into the **lane** and scored.

او وارد منطقه زیر سبد شد و امتیاز گرفت.

key

مستطیل سه ثانیه به همراه نیم‌دایره بالایی آن

The defender stayed near the **key**.

مدافع نزدیک محوطه key ماند.

elbow

آرنج - محدوده زاویه قائم بین دو خط تشکیل دهنده مستطیل سه ثانیه و در امتداد خط پرتاب آزاد

He took a jump shot from the **elbow**.

او از ناحیه آرنج زمین یک جامپ شات زد.

baseline

خط پایانی

He cut along the **baseline** and got open.

او در امتداد خط پایانی حرکت کرد و آزاد شد.

sideline

خط کناری

The ball went out near the **sideline**.

توپ نزدیک خط کناری بیرون رفت.

corner

کرنر / گوشه زمین – واقع در بیرون خط سه امتیازی و گوشه زمین

She hit a three-pointer from the **corner**.

او از گوشه زمین یک پرتاب سه امتیازی زد.

wing

کناره / منطقه واقع در بیرون خط سه امتیازی و در امتداد خط پرتاب آزاد

He caught the ball on the right **wing**.

او توپ را در کناره راست زمین گرفت.

frontcourt

زمین حریف (به شکل front court هم نوشته می شود)

They moved the ball quickly into the **frontcourt**.

آن‌ها توپ را سریع به زمین حریف بردند.

backcourt

زمین دفاعی (به شکل back court هم نوشته می شود)

The guard picked up the ball in the **backcourt**.

گارد توپ را در زمین دفاع گرفت.

strong side

سمت قوی (سمتی که توپ بسکتبال باشد)

The defense shifted to the **strong side**.

دفاع به سمت قوی زمین جابه جا شد.

weak side

سمت ضعیف (سمتی از Rim Line که توپ نباشد)

He made a cut from the **weak side**.

او از سمت ضعیف زمین حرکت کرد.

پست های بازیکنان بسکتبال به انگلیسی

point guard

گارد راس

The **point guard** controls the offense.

گارد رأس حمله را کنترل می کند.

shooting guard

شوتینگ گارد

The **shooting guard** made five three-pointers.

شوتینگ گارد پنج پرتاب سه امتیازی موفق داشت.

small forward

فوروارد کوچک / اسمال فوروارد / پست ۳

The **small forward** can shoot and defend well.

فوروارد کوچک هم خوب شوت می زند و هم خوب دفاع می کند.

power forward

پاور فوروارڈ / مهاجم قدرتی

The **power forward** grabbed ten rebounds.

فوروارڈ قدرتی ده ریباند گرفت.

center

سنتر

The **center** blocked the shot near the rim.

سنتر نزدیک حلقه شوت را بلاک کرد.

starter

بازیکنی که در شروع مسابقه جزو پنج نفر آغاز کننده برای تیمش باشد / استارتر

He became a **starter** this season.

او این فصل استارتر شد.

bench player

بازیکن ذخیره

A **bench player** scored ۱۵ points tonight.

یک بازیکن ذخیره امشب ۱۵ امتیاز گرفت.

sixth man

نفر ششم

He is the best **sixth man** on the team.

او بهترین نفر ششم تیم است.

اسم حرکات بسکتبال به انگلیسی

dribble

دریبل

He can **dribble** with both hands.

او می تواند با هر دو دست دریبل بزند.

crossover

تغییر جهت

He used a quick **crossover** to beat the defender.

او با یک تغییر جهت سریع مدافع را جا گذاشت.

behind-the-back dribble

دریبل پشت کمر

She used a **behind-the-back dribble** in transition.

او در حمله سریع از دریبل پشت کمر استفاده کرد.

spin move

چرخش

He scored after a beautiful **spin move**.

او بعد از یک حرکت چرخشی زیبا امتیاز گرفت.

Euro step

یورو استپ

He used a **Euro step** to avoid the block.

او برای فرار از بلاک از یورو استپ استفاده کرد.

pivot

چرخش

Keep one foot down when you **pivot**.

وقتی پیوت می‌کنی (چرخش انجام می‌دهی)، یک پا را ثابت نگه دار.

drive

نفوذ

She **drove** to the basket and scored.

او به سمت سبد نفوذ کرد و امتیاز گرفت.

cut

برش

He **made** a smart **cut** to the basket.

او یک حرکت هوشمندانه به سمت سبد انجام داد.

screen

سد

The big man set a **screen** for the guard.

بازیکن بلندقد برای گارد سد گذاشت.

pick

سد

Set a **pick** and roll to the basket.

سد بگذار و به سمت سبد حرکت کن.

pick and roll

پیک اند رول

They **ran a pick and roll** at the top of the key.

آن‌ها بالای منطقه key زمین یک پیک اند رول اجرا کردند.

pick and pop

پیک اند پاپ (سد و شوت)

The forward **used a pick and pop** for an open jumper.

فوروارد با پیک اند پاپ یک شوت آزاد پیدا کرد.

box out

جاگیری

You have to **box out** before going for the rebound.

قبل از رفتن برای ریباند باید جاگیری کنی.

[بیشتر بخوانید: آموزش اسلنگ انگلیسی](#)

انواع پاس در بسکتبال به انگلیسی

pass

پاس

Make the extra **pass** if your teammate is open.

اگر هم تیمی‌ات آزاد است، یک پاس بیشتر بده.

assist

پاس گل

He had ۱۲ **assists** in the game.

او در بازی ۱۲ پاس گل داد.

chest pass

پاس سینه

Use a **chest pass** when your teammate is close.

وقتی هم تیمی‌ات نزدیک است، از پاس سینه استفاده کن.

bounce pass

پاس زمینی

She made a perfect **bounce pass** under the basket.

او زیر سبد یک پاس زمینی عالی داد.

overhead pass

پاس بالاسر

The center threw an **overhead pass** to the corner.

سنتر یک پاس بالای سر به گوشه زمین داد.

no-look pass

پاس بی نگاه

The **point guard** made a **no-look pass** to the cutter.

گارد رأس به بازیکنی که حرکت کرده بود پاس بی نگاه داد.

Alley-oop

پاس دانک / الیوپ

He caught the **alley-oop** and dunked it.

او پاس الی اوپ را گرفت و دانک زد.

drive and kick

نفوذ و پاس رو به بیرون

He used a **drive and kick** to find the shooter.

او با نفوذ و پاس، شوت زن را پیدا کرد.

انواع شوت در بسکتبال به انگلیسی

shot

شوت (پرتاب)

That was a difficult **shot**.

شوت سختی بود.

shoot

شوت زدن (پرتاب کردن)

Don't **shoot** too early in the possession.

در مالکیت توپ (وقتی توپ دستت هست) خیلی زود هم پرتاب نکن.

jump shot

جامپ شات / پرتاب در پرش

He has a smooth **jump shot**.

او جامپ شات نرم و روانی دارد.

layup

لی آپ

She missed an easy **layup**.

او یک لی آپ آسان را از دست داد.

dunk

دانک

He **dunked** over two defenders.

او از روی دو مدافع دانک زد.

slam dunk

اسلم دانک / دانک قدرتی

The crowd went crazy after the **slam dunk**.

جمعیت بعد از دانک قدرتی هیجان زده شد.

hook shot

هوک شات

The center scored with a soft **hook shot**.

سنتر با یک هوک شات نرم امتیاز گرفت.

bank shot

بنک شات / شوت تخته‌ای (که قبل از ورود به سبد عمداً به تخته برخورد کند)

He used a **bank shot** from the right side.

او از سمت راست یک شوت تخته‌ای زد.

fadeaway

فید او ی / شوت عقب‌پرش

He hit a **fadeaway** over the defender.

او از روی مدافع یک فید او ی موفق زد.

step-back

استپ‌بک / عقب‌گام

She created space with a **step-back**.

او با یک استپ‌بک فضا ایجاد کرد.

pull-up jumper

شوت توقفی / نوعی پرتاب که بازیکن در حین دریبل زدن و حرکت به سمت سبد ناگهان متوقف شده و اقدام به پرتاب می‌کند

He hit a **pull-up jumper** in transition.

او در حمله سریع یک شوت توقفی زد.

three-pointer

سه امتیازی

He **made a three-pointer** from the corner.

او از گوشه زمین یک پرتاب سه امتیازی زد.

free throw

پرتاب آزاد

She made both **free throws**.

او هر دو پرتاب آزاد را گل کرد.

buzzer-beater

شوت لحظه آخری

He won the game with a **buzzer-beater**.

او با یک شوت لحظه آخری بازی را برد.

اصطلاحات امتیازگیری در بسکتبال

field goal

فیلد گل / هر گلی که در زمان جریان داشتن بازی زده شود

He made ۱۰ **field goals** tonight.

او امشب ۱۰ گل در جریان بازی زد.

two-pointer

دو امتیازی

A **two-pointer** tied the game.

یک پرتاب دو امتیازی بازی را مساوی کرد.

three-pointer

سه امتیازی

The team made ۱۵ **three-pointers**.

تیم ۱۵ پرتاب سه امتیازی موفق داشت.

free throw

پرتاب آزاد

Free throws can decide close games.

پرتاب‌های آزاد می‌توانند بازی‌های نزدیک را تعیین کنند.

And-one

اند-وان / خطا و گل (زمانی که هم‌زمان روی بازیکن زننده گل خطا شود)

Free throws can decide close games.

او با وجود برخورد امتیاز گرفت و خطا و گل گرفت.

fast break points

امتیاز ضد حمله

They scored ۲۰ **fast break points**.

آن‌ها ۲۰ امتیاز از ضد حمله گرفتند.

second-chance points

امتیاز دوم

Offensive rebounds led to **second-chance points**.

ریباند های حمله باعث امتیاز های فرصت دوم شدند.

اصطلاحات حمله در بسکتبال به انگلیسی

offense

حمله

Their **offense** looks much better this season.

حمله آن‌ها این فصل خیلی بهتر به نظر می‌رسد.

possession

مالکیت

Don't waste this **possession**.

این مالکیت توپ را هدر نده.

transition offense

حمله سریع

They are dangerous in **transition offense**.

آنها در حمله سریع خطرناک هستند.

fast break

ضد حمله

He finished the **fast break** with a dunk.

او ضد حمله را با یک دانک تمام کرد.

isolation

تک به تک

The coach called an **isolation** play for the star player.

مربی از ستاره تیم یک حرکت تک به تک درخواست کرد.

post-up

پشت به سبد

The center likes to **post up** near the paint.

سنتر دوست دارد نزدیک محوطه پشت به سبد بازی کند.

spacing

فاصله گذاری

Good **spacing** makes the offense harder to defend.

فاصله گذاری خوب دفاع کردن را سخت تر می کند.

ball movement

گردش توپ

Their **ball movement** was excellent in the second half.

گردش توپ آن‌ها در نیمه دوم عالی بود.

motion offense

حمله حرکتی

A **motion offense** needs constant movement.

حمله حرکتی به حرکت مداوم نیاز دارد.

اصطلاحات دفاع در بسکتبال به انگلیسی

defense

دفاع

Defense wins games.

دفاع باعث بردن بازی‌ها می‌شود.

block

بلاک

He **blocked** the shot at the rim.

او شوت را کنار حلقه بلاک کرد.

steal

توپ ربایی

She got a **steal** and started a fast break.

او توپ ربایی کرد و یک ضد حمله شروع کرد.

rebound

ریباند

He grabbed the **rebound** and passed the ball out.

او ریباند را گرفت و توپ را بیرون پاس داد.

defensive rebound

ریباند دفاعی

The team needs more **defensive rebounds**.

تیم به ریباندهای دفاعی بیشتری نیاز دارد.

offensive rebound

ریباند حمله

The **offensive rebound** gave them another chance.

ریباند حمله به آنها یک فرصت دیگر داد.

on-ball defense

دفاع مستقیم

His **on-ball defense** is very strong.

دفاع مستقیم او بسیار قوی است.

help defense

دفاع کمکی

Good **help defense** stopped the drive.

دفاع کمکی خوب جلوی نفوذ را گرفت.

man-to-man defense

دفاع نفر به نفر

They switched to **man-to-man defense**.

آن‌ها به دفاع نفر به نفر تغییر سیستم دادند.

zone defense

دفاع منطقه‌ای

Zone defense slowed down the opponent.

دفاع منطقه‌ای سرعت حریف را کم کرد.

double team

دفاع دونفره

They used a **double team** against the star player.

آن‌ها مقابل ستاره تیم از دفاع دو نفره استفاده کردند.

full-court press

پرس تمام زمین / دفاع تمام زمین

The team used a **full-court press** in the final minute.

تیم در دقیقه پایانی از پرس تمام زمین استفاده کرد.

closeout

نزدیک شدن

He made a great **closeout** on the shooter.

او خیلی خوب به شوت زن نزدیک شد و مزاحمت ایجاد کرد.

خطاها و تخلفات بسکتبال به انگلیسی

foul

خطا

The referee called a **foul** on the defender.

داور روی مدافع خطا اعلام کرد.

personal foul

خطای شخصی

He picked up his fourth **personal foul**.

او چهارمین خطای شخصی اش را گرفت.

technical foul

خطای فنی

The coach got a **technical foul** for arguing.

مربی به خاطر بحث کردن خطای فنی گرفت.

flagrant foul

خطای خشن

The hard contact was called a **flagrant foul**.

آن برخورد شدید خطای خشن اعلام شد.

charging

شارژ

The referee called **charging** on the offensive player.

داور روی بازیکن حمله خطای شارژ اعلام کرد.

blocking foul

سد غیرمجاز

The defender was called for a **blocking foul**.

روی مدافع خطای سد غیرمجاز اعلام شد.

traveling

رانینگ

He took too many steps, so the referee called **traveling**.

او قدم‌های زیادی برداشت، پس داور رانینگ اعلام کرد.

double dribble

دریبل دابل

You can't dribble again after stopping; that's a **double dribble**.

بعد از توقف نمی‌توانی دوباره دریبل بزنی؛ این دریبل دابل است.

carrying

حمل توپ

The guard was called for **carrying**.

روی گارد تخلف حمل توپ اعلام شد.

goaltending

گل تندینگ / توپ‌روسید

The block was late, so it was **goaltending**.

بلاک دیر انجام شد، پس خطای گل تندینگ بود.

shot clock violation

تخلف زمان شوت

They didn't shoot in time and got a **shot clock violation**.

آن‌ها به موقع شوت نزدند و تخلف زمان شوت گرفتند.

backcourt violation

تخلف برگشت به زمین دفاع

The pass caused a **backcourt violation**.

آن پاس باعث تخلف برگشت به زمین دفاع شد.

three-second violation

خطای سه ثانیه

The center stayed in the paint too long and got a **three-second violation**.

سنتر بیش از حد در محوطه ماند و تخلف سه ثانیه گرفت.

out of bounds

بیرون از زمین

The ball went **out of bounds**.

توپ از زمین بیرون رفت.

اصطلاحات داوری و قوانین بسکتبال به انگلیسی

whistle

سوت

Play stopped after the **whistle**.

بازی بعد از سوت متوقف شد.

jump ball

جامپ بال (بالا انداختن توپ توسط داور در ابتدای بازی)

The game starts with a **jump ball**.

بازی با جامپ بال شروع می شود.

timeout

وقت استراحت

The coach called a **timeout** to stop the run.

مربی برای قطع روند امتیازگیری حریف وقت استراحت گرفت.

substitution

تعویض

The coach made a **substitution** in the third quarter.

مربی در کوارتر سوم یک تعویض انجام داد.

overtime

وقت اضافه

The game went to **overtime**.

بازی به وقت اضافه کشیده شد.

shot clock

زمان شوت

There are only three seconds left on the **shot clock**.

فقط سه ثانیه از زمان شوت باقی مانده است.

possession arrow

فلش مالکیت

The **possession arrow** gave the ball to our team.

فلش مالکیت توپ را به تیم ما داد.

inbound pass

پاس ورودی

He threw the **inbound pass** to the point guard.

او پاس ورودی را به گارد رأس داد.

inbounds

داخل

Keep your feet **inbounds** when you catch the ball.

وقتی توپ را می‌گیری، پاهایت را داخل زمین نگه دار.

اصطلاحات آماری بسکتبال به انگلیسی

Points / PTS

امتیاز

He finished the game with **۲۸ points**.

او بازی را با ۲۸ امتیاز تمام کرد.

Rebounds / REB

ریباند

She had 11 **rebounds** tonight.

او امشب ۱۱ ریباند داشت.

Assists / AST

پاس گل

The point guard recorded 14 **assists**.

گارد رأس ۱۴ پاس گل ثبت کرد.

Steals / STL

توپ ربایی

He had three **steals** in the first half.

او در نیمه اول سه توپ ربایی داشت.

Blocks / BLK

بلاک

The center finished with five **blocks**.

سنتر بازی را با پنج بلاک تمام کرد.

Turnovers / TO

لودادن

Too many **turnovers** cost them the game.

لودادن‌های زیاد توپ باعث باختشان شد.

field goal percentage / FG%

درصد گل‌های در جریان بازی

His **field goal percentage** has improved.

درصد شوت موفق او بهتر شده است.

three-point percentage / ۳P%

درصد پرتاب‌های سه‌امتیازی

Her **three-point percentage** is over ۴۰ percent.

درصد سه‌امتیازی او بالای ۴۰ درصد است.

free throw percentage / FT%

درصد پرتاب آزاد

A high **free throw percentage** is important in close games.

درصد بالای پرتاب آزاد در بازی‌های نزدیک مهم است.

double-double

دابل‌دابل

He had a **double-double** with ۲۰ points and ۱۲ rebounds.

او با ۲۰ امتیاز و ۱۲ ریباند دابل‌دابل کرد.

triple-double

تریپل دابل

She recorded a **triple-double** in the final.

او در فینال تریپل دابل ثبت کرد.

اصطلاحات رایج NBA و گزارشگری بسکتبال

He's on fire!

حسابی رو دور است!

He's on fire tonight; he can't miss.

او امشب حسابی رو دور است؛ هیچ شوتی را از دست نمی دهد.

clutch shot

شوت حساس / شوت تعیین کننده

She made a **clutch shot** in the final seconds.

او در ثانیه های پایانی یک شوت تعیین کننده زد.

game-winner

شوت برد

His three-pointer was the **game-winner**.

پرتاب سه امتیازی او شوت برد بازی بود.

posterize

تحقیر کردن (معمولا با اسلم دانک)

He **posterized** the defender with a huge dunk.

او با یک دانک سنگین مدافع را تحقیر کرد.

ankle breaker

دریبل مچ پا خرد کن - این اصطلاح زمانی به کار می رود که بازیکن مهاجم با تغییر مسیرهای ناگهانی و دریبل های تکنیکی، تعادل بازیکن مدافع را کاملا به هم می ریزد

That crossover was a real **ankle breaker**.

آن کراس اور واقعا یک دریبل مچ پا خردکن بود.

brick

شوت خراب

That shot was a **brick**.

آن شوت کاملا خراب بود.

air ball

شوت هوایی / شوتی که به حلقه هم برخورد نمی کند و مستقیم به داخل سبد می رود

The shot didn't touch anything; it was an **air ball**.

شوت به هیچ چیز نخورد؛ کاملا هوایی بود.

garbage time

وقت بی اثر (در پایان بازی وقتی که نتیجه عملاً مشخص شده است)

The bench players came in during **garbage time**.

بازیکنان ذخیره در وقت بی اثر وارد بازی شدند.

rookie

تازه‌کار

The **rookie** played with confidence.

بازیکن تازه‌کار با اعتماد به نفس بازی کرد.

MVP

ارزشمندترین بازیکن

He was named **MVP** of the tournament.

او به عنوان ارزشمندترین بازیکن تورنمنت انتخاب شد.

franchise player

ستاره اصلی

The team built everything around its **franchise player**.

تیم همه چیز را حول ستاره اصلی اش ساخت.

فعل‌های پرکاربرد برای صحبت درباره بسکتبال

play basketball

بسکتبال بازی کردن

We **play basketball** after school.

ما بعد از مدرسه بسکتبال بازی می‌کنیم.

shoot the ball

شوت زدن / توپ را پرتاب کردن

Shoot the ball when you're open.

وقتی آزادی، شوت بزن.

pass the ball

توپ را پاس دادن

Pass the ball before the defense arrives.

قبل از رسیدن دفاع، توپ را پاس بده.

dribble past someone

کسی را دربیبل کردن

He **dribbled past** the defender easily.

او به راحتی مدافع را دربیبل زد.

grab a rebound

ریباند گرفتن

She **grabbed a rebound** and pushed the ball up the court.

او ریباند گرفت و توپ را به جلو برد.

block a shot

پرتاب را بلاک کردن

He **blocked a shot** in the final minute.

او در دقیقه پایانی یک شوت را بلاک کرد.

steal the ball

توپ را ربودن

The guard **stole the ball** and scored.

گارد توپ را ربود و امتیاز گرفت.

draw a foul

خطاگرفتن

He drove to the basket to **draw a foul**.

او برای گرفتن خطا به سمت سبد نفوذ کرد.

commit a foul

خطا کردن

Don't **commit a foul** on a three-point shooter.

روی شوت‌زن سه‌امتیازی خطا نکن.

call a timeout

وقت استراحت گرفتن

The coach **called a timeout** after two quick turnovers.

مربی بعد از دو لو دادن سریع توپ وقت استراحت گرفت.

بیشتر بخوانید: آموزش افعال پرکاربرد انگلیسی

جمله‌های کاربردی انگلیسی درباره بسکتبال

برای توصیف بازی:

It was a close game.

بازی نزدیکی بود.

They played great defense.

آنها عالی دفاع کردند.

The game went down to the wire.

بازی تا لحظه آخر حساس ماند (مویی بود).

He drove to the basket.

او به سمت سبد نفوذ کرد.

She knocked down a three.

او یک سه امتیازی زد.

He finished through contact.

او با وجود برخورد امتیاز گرفت.

We won by ten.

ما با اختلاف ده امتیاز بردیم.

They lost in overtime.

آنها در وقت اضافه باختند.

The final score was ۹۲ to ۸۸.

نتیجه نهایی ۹۲ به ۸۸ بود.

بیشتر بخوانید: آموزش جملات رایج انگلیسی

جمع بندی

یادگیری کلمات و اصطلاحات بسکتبال به انگلیسی کمک می‌کند بازی‌ها، گزارش‌ها و تحلیل‌های ورزشی را بهتر بفهمید. برای شروع، اول کلمات پایه، پست‌ها، حرکات، شوت‌ها و خطاها را یاد بگیرید. بعد سراغ اصطلاحات حرفه‌ای‌تر مثل pick and roll، spacing، mismatch و clutch shot بروید. بهترین روش یادگیری هم این است که هر اصطلاح را با یک جمله واقعی تمرین کنید.

سوالات متداول

بسکتبالیست به انگلیسی چه می‌شود؟

بسکتبالیست به انگلیسی **basketball player** می‌شود.

اسم حرکات بسکتبال به انگلیسی چیست؟

حرکات رایج بسکتبال شامل **dribble, crossover, spin move, Euro step, pivot, drive** و **screen** هستند.

دریبل زدن در بسکتبال به انگلیسی چه می‌شود؟

دریبل زدن در بسکتبال به انگلیسی **dribble** می‌شود.

پاس گل در بسکتبال به انگلیسی چه می‌شود؟

پاس گل در بسکتبال به انگلیسی **assist** می‌شود.

پرتاب سه امتیازی به انگلیسی چه می‌شود؟

پرتاب سه امتیازی به انگلیسی **three-pointer** یا **three-point shot** می‌شود.

خطای فنی در بسکتبال به انگلیسی چیست؟

خطای فنی به انگلیسی **technical foul** می‌شود.

ریباند در بسکتبال یعنی چه؟

Rebound یعنی گرفتن توپ بعد از شوت ناموفق.